



ابوموسی اشعری

یکی از اصحاب پیامبر و یکی از خواص و بزرگان
از شرکت کنندگان در فتوحات مسلمانان در زمان

خلیفه دوم

حاکم بصره در زمان خلیفه دوم

حاکم کوفه در زمان خلیفه سوم و

امیرالمؤمنین

تشویق مردم به شرکت نکردن در جنگ

جمل و سر باز ردن از فرمان امیرالمؤمنین

نماینده تحمیلی سپاه امیرالمؤمنین

در ماجرای حکمیت، که با ساده لوحی ایشان

را از خلافت برکنار کرد



ابوموسی اشعری در ماجرای حکمیت با ساده لوحی فریب
عمرو عاص را خورد و امیرالمؤمنین را از حکومت خلع کرد.

خدا را

«جا دارد ملت اسلام فکر کند که چرا پنجاه سال بعد از وفات پیغمبر، کار کشور اسلامی به جایی رسید که مردم مسلمان در کوفه و کربلا جمع شدند و جگر گوشه‌ی پیغمبر را با آن وضع فجیع به خاک و خون کشیدند؟! خوب؛ انسان باید به فکر فرو رود، که «چرا چنین شد؟» از هر طرف حرکت می‌کنیم، به خواص می‌رسیم.»
مجموعه تصویری «بی‌خواص» به شرح حال خواص صدر اسلام و علل انحراف آن‌ها با استفاده از بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌پردازد

عروس



عالم بی عمل

آنهایی که پیاده
شده بودند، آمدند و

زمام اسب جناب ابوموسی را گرفتند: ما را

هم سوار همین زیادها کن! اینها چیست

که با خودت به میدان جنگ می‌بری؟

ما پیاده می‌رویم؛ ما را هم سوار کن.

همان گونه که به ما گفتی پیاده راه

ببفتید، خودت هم قدری پیاده شو و

پیاده راه برو.

تاز یانه‌اش را کشید و به سر و صورت

آنها زد و گفت بروید، ببخودی حرف

می‌زنید!

ابوموسی یکی از اصحاب پیامبر و یکی از

خواص و یکی از بزرگان است؛ این وضع

اوست!

وسط میدان جنگ، از خلیفه خبر رسید که شما از حکومت
بصره عزل شده‌اید. این همه اشیای قیمتی را که دیگر
می‌تواند بیاید و از داخل قصر بردارد؛ راهش می‌دهند.

شد، اشیای قیمتی که با خود داشت، سوار بر چهل استر با
خودش خارج کرد و به طرف میدان جهاد رفت! آن روز بانگ
نیود و حکومتها هم اعتباری نداشت. یک وقت دیدید که در

ببینیم آیا در عمل هم مثل قولش هست، یا
نه؛ بعد تصمیم می‌گیریم که پیاده برویم یا
سواره. ابن اثیر می‌گوید: وقتی که ابوموسی از قصرش خارج

مردم می‌خواستند به
جهاد بروند، او بالای

منبر رفت و مردم را به جهاد تحریض

کرد. در فضیلت جهاد و فداکاری،

سخنها گفت. برای این که پیاده‌ها هم

بروند، مبالغی هم درباره‌ی فضیلت

جهاد پیاده گفت. آن قدر گرم سخن

بود که یک عده‌ای از آنهایی که اسب

هم داشتند، گفتند ما هم پیاده

می‌رویم؛ اسب چیست! به

اسبهایشان حمله کردند، آنها را راندند.

عده‌ای هم گفتند صبر کنیم، ببینیم

حاکمی که این طور درباره‌ی جهاد

پیاده حرف زد، خودش چگونه بیرون

می‌آید؟



آنقدر ابوموسی درباره‌ی فضیلت جهاد پیاده گفت که بعضی از
اسب سواران، اسبهایشان را راندند تا پیاده به جنگ بروند.

عروس

خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۷/۰۲/۱۸

KHAMENEI.IR